پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، انجمن مطالعات جهان اسلام
فصلنامه علمی (مقاله علمی-پژوهشی) پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۵۲ - ۲۷

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۴۰۲

ارزیابی اجرای دکترین مسئوولیت حمایت در بحران یمن

محمد علی نژاد اصل[۱]
علیرضا آرش پور[۲]
مسعود راعی دهقی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۶/۲۱ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۹/۱۹

چکیده

مقالهٔ حاضر درصدد بررسی ارزیابی اجرای دکترین مسئوولیت حمایت در کشور یمن است. دکترین مسئوولیت حمایت در جهت حمایت از ابناء بشری در برابر نقض‌های عمده حقوق بشری در محیط ملی، شکل گرفته است. به دنبال درخواست دبیرکل سازمان ملل، کمیسیون بین المللی مداخله و حاکمیت کشور در سال ۲۰۰۱ گزارشی را تحت عنوان «مسئوولیت حمایت» ارائه داد. به دنبال بحران‌هایی که پس از ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ دامن‌گیر کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا شد، کشور یمن نیز دستخوش تحولاتی گردید. مبنای نظری مقاله، دیدگاهی واقع‌گرایانه است که با روشی توصیفی ـ تبیینی مبتنی بر احصاء مؤلفه‌ها؛ که در دسته پژوهش‌های نظری ـ کاربردی قرار می‌گیرد، انجام پذیرفته است. این پژوهش درپی یافتن پاسخ برای این سوال است که نظریه «مسئولیت حمایت» درمورد یمن قابل اعمال است؟ بی‌توجهی شورای امنیت به راهکارهای پیشگیرانه بار دیگر انتقاداتی را متوجه قدرت‌های بزرگ، به‌ویژه اعضای دائم شورای امنیت به‌عنوان مرجع صلاحیتدار صدور مجوز برای اقدام در قالب دکترین «مسئولیت حمایت» کرده است. یافته‌های پژوهش مبین این امر است که این نظریه ظرفیت اعمال در مورد بحران یمن را ندارد. با مداقه در سیر قطعنامه‌هایی که در ارتباط با کشور یمن صادر شده‌است، می‌توان به این نتیجه رسید که برخلاف وضعیت کشورهای سوریه و لیبی شورای امنیت از لحن ملایم‌تری سود جسته و در ابتدا با تکیه بر راهکارهای سیاسی سعی در حل این بحران داشته است.

واژه‌های کلیدی: حقوق بشر دوستانه، دکترین مسئوولیت حمایت، شورای امنیت، یمن،مداخله در امور داخلی.

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف اباد، ایران
A.alinejad_asl@ymail.com

۲. استاد مدعو گروه حقوق بین‌الملل، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. استادیار دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول) A.arashpour@yahoo.com

۳. دانشیار گروه حقوق بین‌الملل، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران Masoudraei@yahoo.com

Copyright © 2010, SAIWS (Scientific Association of Islamic World Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

مقدمه

آشوب و اعتراضات مردمی در هر کشوری امری داخلی محسوب می‌گردد و در حوزه صلاحیت دولت‌ها قرار می‌گیرد. اما کاربرد بیش از اندازه خشونت در مقابله با این رویدادها و نقض فاحش و گسترده حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه[1] و یا تبدیل شدن آنها به درگیری‌های مسلحانه فراگیر، امر دیگری است که می‌تواند مورد توجه سازمان ها و نهادهای بین المللی قرار گیرد.

در بین ارکان سازمان ملل، نقش شورای امنیت سازمان ملل متحد حائز اهمیت است، چون طبق منشور، مسئولیت اصلی حفظ صلح و امنیت بین المللی برعهده این رکن است. این نهاد که در پایان جنگ جهانی دوم و به‌منظور جلوگیری از وقوع جنگ جهانی دیگر شکل گرفته بود (Malone,2004:5)، پس از پایان جنگ سرد، با تفسیر موضع از مفهوم صلح و امنیت بین المللی و اختیارات خویش، نسبت به موضوعات مختلف از خود عکس‌العمل نشان داد. (سادات میدانی، ۱۳۸۹: ۱). قطعنامه‌های روزافزون شورای امنیت پس از جنگ سرد در ارتباط با مسائل بشر دوستانه در عرصه بین المللی منجر به ایجاد تئوری جدیدی در عرصه حقوق بین الملل تحت عنوان دکترین مسئولیت حمایت شد که در واقع به نوعی جایگزین مفهوم مداخله بشر دوستانه گردید. (عباسی سرمدی، ۱۳۹۲: ۱۵۸). شورای امنیت مواردی چون نقض‌های فاحش و گسترده حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه و حتی جنگ داخلی در قلمرو یک کشور را بر طبق فصل هفتم منشور و ماده ۳۹[2] آن «تهدیدی علیه صلح و امنیت بین المللی» تلقی کرده و با تصمیمات خود مانع مذکور در ماده ۲(۷)[3] منشور(ممنوعیت مداخله در امور داخلی کشورهای عضو) را از میان برداشته و در جهت محدود کردن حیطه حاکمیت و صلاحیت دولت‌ها گام برداشته است. موضوعی که در فرآیند اجرای دکترین مسئولیت حمایت بروز می‌نماید این است که آیا با

1. Humanitarian intervention

۲. ماده ۳۹ منشور: «شورای امنیت وجود هر گونه تهدید علیه صلح، نقض صلح یا عمل تجاوز را احراز و توصیه‌هایی خواهد نمود یا تصمیم خواهد گرفت که برای حفظ یا اعاده صلح و امنیت بین‌المللی به چه اقداماتی بر طبق مواد ۴۱ و ۴۲ باید مبادرت شود».

۳. بند ۷ ماده ۲ منشور: «هیچ یک از مقررات مندرج در این منشور، ملل متحد را مجاز نمی دارد در اموری که ذاتاً جزء صلاحیت داخلی هر کشوری است دخالت نماید و اعضاء را نیز ملزم نمی کند که چنین موضوعاتی را تابع مقررات این منشور قرار دهند لیکن این اصل به اعمال اقدامات قهری پیش بینی شده در فصل هفتم لطمه وارد نخواهد آورد».

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

توسل به یک جنگ و مداخله می‌توان به نجات جمعیت تحت سرکوب به عنوان هدف دکترین پیش رفت؟ این در حالی است که اصل بر اعمال راه حل‌های مسالمت آمیز در اختلافات بین المللی است و مداخله بشردوستانه باید به عنوان آخرین حربه به کار رود و رویدادها و وقایع پراکنده نمی‌توانند مبنای مهمی برای مداخله تلقی شوند. (شریفی طراز کوهی، ۱۳۸۸ :۴۰۸).در طول سال‌های ۲۰۱۰-۲۰۰۱، فراگیرشدن موج اعتراضات مردمی در کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا علیه حکومت‌هایی با سابقه دیکتاتوری طولانی مدت در آن کشورها از اوایل سال ۲۰۱۱ که در برخی موارد همچون بحرین، یمن، لیبی و سوریه منجر به سرکوب خونین اعتراضات، درگیری‌های مسلحانه و کشته شدن غیر نظامیان گردید، (Efraim 2013:2), به مهم‌ترین چالش شورای امنیت در این رابطه مبدل گشت.

بحران یمن در سال ۲۰۱۱ ریشه در تنش ها و بحران های عمیق این کشور دارد که از سال ۲۰۰۴ به بعد، شدت بیشتری گرفت. جنگ‌های شش‌گانه دولت و حوثی‌های زیدی در شمال یمن، ورود عربستان سعودی به جنگ ششم و منطقه‌ای شدن بحران داخلی این کشور، تحرک جدایی طلبان «حراک» برای تجزیه مناطق جنوبی این کشور و افزایش دامنه فعالیت القاعده در یمن موجب تضعیف امنیت وثبات سیاسی واجتماعی یمن و به تبع آن بروز بحران گسترده برای تغییر ساختار آتی سیاسی کشور شد. به این شرایط باید دیکتاتوری رئیس جمهور این کشور را نیز اضافه کرد که با ابزار مختلف سعی در تثبیت قدرت خود و حتی نگاهی به موروثی کردن قدرت را نیز داشت. این عوامل باعث شد گروه‌ها و احزاب رسمی مخالف دولت یمن همگام با دانشجویان جهت سرنگونی صالح گام بردارند تا جایی که سقوط رژیم وی به خواست اصلی معترضان یمنی در تظاهرات فوریه ۲۰۱۱ تبدیل شد(Middle East/North AfricaReport2011:1-2).در ادامه حکومت به جای تن دادن به خواسته های به حق و قانونی مردم، با توسل به زور و خشونت به سرکوب معترضان مبادرت ورزید و موارد عدیده ای از نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه توسط مقامات دولتی ارتکاب می یابد. در بازه زمانی هشت ساله از شروع این بحران که ناشی از چالش‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی داخلی یمن است و شرایط نقض حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را فراهم کرد، شورای امنیت در تلاش است تا بتواند راه حلی جامع برای برون رفت از این اوضاع بیابد. درطول

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

این مدت، شورا برخلاف موانع موجود سازمانی از جمله تعارض منافع اعضای دائم و دیگر اعضای غیردائم شورا، تلاش کرد تا با ابزارهایی که در اختیار دارد و به‌طور خاص صدور قطعنامه، از فراگیر شدن این بحران ممانعت به‌عمل آورد. هرچند شورای امنیت تا سال ۲۰۱۹ نسخه ای کارآمد برای رفع موانع جهت پایان یافتن بحران نیافت، اما این بدان معنا نیست که هیچ گونه تاثیری در وضعیت یمن نداشته است.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های مختلفی در مورد قابلیت اعمال دکترین مسئولیت حمایت در بحران های مختلف از منظر حقوق بین الملل انجام شده است که نزدیک ترین آنها به لحاظ موضوعی به تحقیق حاضر موارد زیر هستند:

شفیعی و دولتخواه(۱۳۹۵)دکترین مسئولیت حمایت: تبیین رویکرد قدرت های بزرگ در قبال بحران های لیبی و یمن، در این مقاله ضمن بررسی دکترین مسئولیت حمایت ، رویکرد قدرت های بزرگ ، به ویژه اعضا دائم شورای امنیت در قبال بحران‌های لیبی و یمن تبیین و ارزیابی شده است.

زمانی و زمانیان(۱۳۹۵)جایگاه دکترین مسئولیت حمایت در بحران سوریه، نویسندگان در این مقاله بیان می‌دارند، با توجه به وظیفه ی ذاتی شورای امنیت در برقراری صلح و امنیت بین المللی، متأسفانه شورا بدلیل اختلاف شدید میان اعضای دائم خود، بنا به مصالح و اغراض متفاوتی که نسبت به آن کشور دارند ، به ناتوانی اعمال مسئولیت حمایت و گسترش نقض مکرر و فاجعه بار حقوق بنیادین مردم سوریه دامن زده اند.

بهری خیاوی(۱۳۹۴)مسئولیت حمایت در بحران یمن از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵، وی بیان می دارد: در بحران‌های بین المللی، بدلیل مداخلات بین المللی که با عنوان اصل مداخله ی بشر دوستانه در امور کشورها دخالت می‌شد و ما شاهد نقض فاحش حقوق بشر توسط کشور یا کشورهای مداخله گر بودیم و این‌گونه حتی زیرساخت‌های حیاتی کشور مورد تهاجم به کلی تخریب می شد، نیاز به نظریه‌ای که بتواند سه محور پیشگیری، واکنشی و بازسازی را شامل باشد، ضروری می‌نمود. در این خصوص کشور یمن نیز که از سال ۲۰۱۱ دچار بحران شده بود، لزوم اجرای این سه اصل از طرف کشور مذکور و جامعه بین الملل

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

ضرورت داشت که متاسفانه به نحو درستی اجرا نشد و در نهایت با دخالت ائتلاف منطقه‌ای به رهبری عربستان، بحران یمن پیچیده‌تر شد و این نشان از عدم اراده سیاسی قدرت‌های بزرگ بین المللی برای حل بحران یمن دارد که چنانچه باید و شاید در بحران یمن تصمیمات درستی اتخاذ نکردند.

ساعدوکیل(۱۳۹۰) وضعیت دارفور و غزّه؛ میدان آزمون نظریه مسئولیت حمایت، نویسنده بر این عقیده است که تعامل روز افزون روابط بین الملل و حقوق بین الملل موجب گردید تا در سال‌های اخیر برخی نظریه ها به‌عنوان مبنای حقوق و تکالیف برای اعضای جامعه بین المللی مورد استناد واقع شود. وی در این مقاله ضمن بررسی مفهومی و تاریخی دکترین مسئولیت حمایت، با اشاره به دو نمونه دارفور و غزّه در صدد پاسخگویی به این پرسش است که آیا دکترین مزبور توانسته است جایگزین مناسبی برای نظریه صلح و امنیت بین‌المللی باشد؟

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

روش پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه ای و اسنادی و برای تحلیل داده ها از روش تحلیل کیفی استفاده شده است؛ که در آن به طبقه بندی، ارزیابی، مقایسه و تحلیل داده ها پرداخته می‌شود تا از این طریق، فرضیه پژوهش آزموده شود؛ از نظر ماهیت این پژوهش از نوع توصیفی و تبیینی است؛ در تحقیق توصیفی، وضعیت مورد نظر(فرایند تحولات یمن) بررسی و به توصیف نظاممند آن پرداخته می شود. در تحقیقات تبیینی با استفاده از منابع معتبر تلاش می‌شود تا ویژگی‌های پدیده های سیاسی و دلایل بروز آنها توضیح داده شود. (حافظ نیا،۶۷:۱۳۸۹) .

مبانی نظری دکترین مسئولیت حمایت

نظام‌ها و نهادهای موجود در حقوق بین الملل نتوانست جلوی مصائب انسانی را بگیرد بدین لحاظ دکترین مسئولیت حمایت متعاقب درخواست کوفی عنان دبیر کل وقت سازمان ملل برای یافتن زمینه مشترک در حمایت از اصول منشور و اقدام در جهت دفاع از انسانیت مشترک، دولت کانادا «کمیسیون بین المللی مداخله و حاکمیت دولت» را در سپتامبر ۲۰۰۱ تاسیس کرد و با تغییر حق مداخله بشردوستانه به مفهوم «مسئولیت حمایت»، حاکمیت دولت‌ها به‌گونه‌ای

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

که متضمن حمایت برابر از شهروندان یک کشور در مقابل بحران ها شود، باز تعریف شد و در اجلاس سران سال ۲۰۰۵ به تصویب رسید. (ابوالحسن شیرازی، ۵۳:۱۳۹۴) بعد از این که نظریه مسئولیت حمایت در سند نهایی نشست سران کشورها در سال ۲۰۰۵ مورد تصویب قرار گرفت، این نظریه نخستین بار در قطع‌نامه ۱۶۷۴ (S/Res/1674(2006) شورای امنیت سازمان ملل در سال ۲۰۰۶ با عنوان «حمایت از غیر نظامیان در منازعات مسلحانه» تصویب شد و سپس در قطع‌نامه‌های ۱۷۰۶ (S/Res/1706(2006) و ۱۷۳۸ (S/Res/1738(2006) در خصوص دارفور سودان و قطعنامه ۱۸۹۴ S/Res/1894(2009) با موضوع حمایت از غیر نظامیان در منازعات مسلحانه مجدداً مورد تاکید و به تصویب رسید، همچنین از سال ۲۰۰۹ دبیر کل سازمان ملل متحد همه ساله در قالب گزارش‌های سالیانه به این نظریه پرداخته است. «بان کی مون» دبیرکل وقت سازمان ملل در اولین گزارش خود در این خصوص مسئولیت حمایت را دارای ۳ رکن اصلی معرفی کرده است: ۱-مسئوولیت‌های حمایت یک دولت ۲- همکاری بین المللی و ظرفیت سازی ۳-پاسخ به موقع و قطعی .در این گزارش به «ایده حاکمیت به مثابه مسئولیت» اشاره شده و آمده است که دکترین مسئولیت حمایت صرفاً برگرفته از اصول و مکاتب فکری غربی نیست؛ بلکه این نظریه مجموعه ای از ارزش‌های بنیادین است که اجزا تشکیل دهنده آن مسئوولیت هر دولت در حمایت از جمعیت خود در برابر جرایم شدید است. برمبنای «ایده حاکمیت به مثابه مسئولیت» مزایا و مصونیت دولت‌ها و مسئولیت آنها به حمایت از جمعیت خود در برابر جرایم گسترده و فجیع انسانی هر دو، دو روی یک سکه است که آن همان مسئولیت دولت‌ها است، به همین دلیل است که این دکترین خللی بر اصل حاکمیت دولت ها وارد نمی‌کند. (Tarnogroski,2012:4)

ظهور دکترین مسئوولیت حمایت به جامعه بین المللی حق قانونی برای جلوگیری از جرایم خشن را می‌دهد این حق فقط زمانی به‌کار گرفته می‌شود که : ۱- موارد بدیهی در انجام جنایت وجود داشته باشد.۲-اقدامات مسالمت آمیز برای متوقف کردن این جنایات انجام و بی نتیجه مانده باشند. در چنین شرایطی شورای امنیت می‌تواند با استفاده از زور به موجب فصل هفتم اقدام کند، مسئوولیت حمایت در مواردی که شورای امنیت در آن به بن بست رسیده است چارچوبی را از نظر قانونی وبدون مجوز شورای امنیت برای مداخله فراهم می‌کند. (حق سرشت، ۱۳۹۵ :۲۹).

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

مسئولیت حمایت، دکترین پیشگیری است که دولت‌ها را مکلف به اقدام درخصوص جنایات فاجعه بار می سازد، ازین رو می بایست با این اصل و سیر تکامل آن پرداخت:

-ریشه‌های دکترین امنیت انسانی را می‌توان در لیبرالیسم سیاسی یافت که سیاست را ابزار گسترش آزادی و امنیت افراد توسط سایر عاملان و نقش آفرینان عرصه بین المللی همچون قدرت‌های بزرگ و سازمان‌های منطقه ای و بین المللی تلقی می‌کند. (ساعد وکیل، ۱۳۹۰ : ۴۱۵-۴۱۴).

-ضرورت حمایت از افراد غیرنظامی، ابتدا در گزارش سال ۱۹۹۸ دبیرکل سازمان ملل درمورد وضعیت آفریقا که در آن از حمایت به عنوان «الزامات غیرقابل اجتناب بشردوستانه» نام برده شده بود، منتشر شد. (جباری، ۱۳۹۰: ۲۲۰).

-در رویه دیوان بین المللی دادگستری طی قضایای بارسلونا تراکشن و نیکاراگوئه به این موضوع اشاره شد که حمایت از افراد انسانی از مسائلی است که در ردیف اشتغالات بین المللی جای می‌گیرد و آن را نمی‌توان منحصراً به اختیار دولت‌ها واگذار کرد. (همان: ۴۰۸).

- در ۱۹۹۸ کانادا مسئله مسئوولیت حمایت را در دستور کار شورای امنیت قرار داد و این کار باعث شد که دو قطعنامه کلیدی شورای امنیت در مورد ضرورت عملیات حفظ صلح صادر شود. (قطعنامه ۱۲۶۵ سپتامبر ۱۹۹۹ و قطعنامه ۱۲۹۶ آوریل ۲۰۰۰) (جباری، ۱۳۹۰: ۲۲۰).

-شورای امنیت برای نخستین بار طی قطعنامه ۱۶۷۴ در مورد حمایت از غیرنظامیان در مخاصمات مسلحانه در بند ۴ دیدگاه های دکترین «مسئولیت حمایت» را که در بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ سند نهایی اجلاس جهانی سال ۲۰۰۵ مطرح شده بودند، تثبیت نمود و در بند همین قطعنامه از کشورها خواست افرادی را که در داخل مرزهایشان مرتکب جنایت جنگی، نسل کشی، جنایت علیه بشریت و نقض حقوق بشردوستانه گردیده اند، مورد تعقیب و مجازات قرار دهند(همان، ۲۳۰).

-اولین قطعنامه مسئولیت حمایت نیز در ۱۴ سپتامبر ۲۰۰۹، توسط مجمع عمومی به تصویب رسید(قربان نیا، ۱۳۹۲: ۲۱۰).

دکترین مسئولیت حمایت هرچند به ظاهر نظریه ای جدید است اما چیز تازه ای دربرندارد وشکلی از یک رویه کاملاً قدیمی و موجود(مداخله بشردوستانه)است(Boisson de cha-

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

.(zumes et condoreilli,2006:12

دکترین مسئولیت حمایت در قضیه نیکاراگوئه با عبارت نقض تعهد وادارکردن به رعایت حقوق بشردوستانه (CIJ,1986,para151) و رای مشورتی ۲۰۰۴ دیوار حائل(CIJ,2004:59) به‌کار رفته است.

عناصر مسئوولیت حمایت

۱-مسئوولیت بازدارندگی[1]

مسئولیت بازدارندگی شامل تحریم‌ها، فشار سیاسی و دیپلماتیک و دیگر تدابیر قهری است. بازدارندگی موثر باید علل ریشه‌ای و علل مستقیم درگیری داخلی و دیگر بحران‌های ایجاد شده به دست انسان را مورد توجه قرار دهد.تدابیر بازدارندگی مربوط به علل ریشه ای، نیازهای اقتصادی و سیاسی و حمایت قانونی مانند تقویت حاکمیت قانون و مؤسسات حقوقی داخلی را مورد توجه قرار می‌دهد و تدابیر بازدارندگی مربوط به علل مستقیم شامل تدابیر سیاسی و اقتصادی به شکل تحریم، انزوای دیپلماتیک، تعلیق عضویت در سازمان ملل و تدابیر حقوقی مانند میانجیگری و داوری، دیوان‌های داوری ویژه و پایش حقوق بشر و تحریم های نظامی شامل تحریم‌های تسلیحاتی و پایان دادن به همکاری‌های نظامی می-تواند باشد. (The Responsibility to Protect in the Case of Humanitarian Crisis, 4).

۲- مسئوولیت واکنش[2]: اصول مداخله نظامی

- مسئوول یا مقام به حق:

– شورای امنیت بهترین مقام برای اقدام نظامی است. پنج عضو دائم اگر مداخله را حمایت نمی‌کنند، باید ممتنع باشند و وتو نکنند.

– اگر شورای امنیت در زمان لازم در این خصوص به نتیجه نرسد، گزینه جایگزین موارد زیر خواهد بود:

o بررسی موضوع توسط مجمع عمومی در نشست ویژه فوق العاده تحت عنوان اتحاد برای صلح.

1. Responsibility to Prevent
2. Responsibility to react

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

o اقدام توسط سازمان منطقه‌ای یا زیر منطقه‌ای براساس فصل ۸ منشور، به شرط دریافت مجوز قبلی از شورای امنیت.

• آستانه علت عادلانه[1]:

– تلفات جانی بسیار وسیع: واقعی یا احتمالی.

– پاک‌سازی قومی بسیار وسیع: واقعی یا احتمالی.[2] (نیکنام، ۱۳۹۱).

• اصل احتیاطی.

چهار شرط دیگر علاوه بر آستانه علت عادلانه باید تأمین شود، تا استفاده از مداخله نظامی به منظور حمایت انسانی انجام شود:

o قصد خیر[3] (درست یا عادلانه): قصد باید توقف یا دفع قتل عام انسانی باشد؛

o آخرین راه[4]: پس از به‌کارگرفتن تمامی راه‌های غیرنظامی؛

o ابزار متناسب:[5] میزان، دوره و شدت مداخله نظامی باید حداقل مورد نیاز برای تأمین هدف تعریف شده باشد؛

o چشم انداز معقول:[6] باید شانس معقولی در موفقیت توقف یا دفع رنج که توجیه کننده مداخله است، وجود داشته باشد. (The Responsibility to Protect in the Case of Humanitarian Crisis, 4).

۳- مسئوولیت بازسازی[7]

مسئوولیت بازسازی شامل تامین کمک کامل با ترمیم، تجدید بنا و اصلاح به‌ویژه پس از یک مداخله نظامی است. تعهد به تامین مالی اقدامات بازسازی در همکاری نزدیک با مردم محلی، امنیت مردم باید تامین شود و راهبرد خروج نیروهای مداخله گر باید اندیشیده شود. (نیکنام، ۱۳۹۱).

---

1. Just cause

۲. عباراتی بسیار مبهم که می تواند در هر زمان و با توجه به مخالفان موضوع به گونه ای متفاوت تفسیر شود.

3. Right intention

4. Last resort

5. Proportional means

6. Reasonable prospects

7. Responsibility to rebuild

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

مسئوولیت حمایت در خصوص کشور یمن

یمن در مجموع با چهار چالش عمده روبروست که ثبات و امنیت داخلی این کشور و اثرگذاری آن بر امنیت منطقه‌ای و بین المللی را شکل می‌دهد. این چهار چالش عبارت اند از: مسئله حوثی‌ها در شمال، تجزیه طلبی در جنوب، افزایش فعالیت القاعده و چالش روابط با عربستان سعودی. مشکلات و مسائل داخلی یمن (حوثی ها، تجزیه طلبان، القاعده و سعودی‌ها) با توجه به شرایط و اوضاع اقتصادی و اجتماعی یمن آینده سیاسی این کشور را در هاله‌ای از ابهام قرار داده است. بسیاری از متخصصان مسائل تروریسم بین الملل، یمن را در کنار سومالی، دو نامزد آینده فعالیت القاعده می‌دانند. ناتوانی دولت یمن در فائق آمدن بر سه چالش نخست و ضعف ساختارهای اقتصادی آن، این کشور را به‌صورت منبع تهدیدی بالقوه نشان می‌دهد که در صورت بی‌توجهی جامعه جهانی می‌تواند به فعل درآمده، یمن را به بهشت موعود دهشت افکنان القاعده تبدیل کند. (صادقی و احمدیان،۱۳۸۹: ۲۷۳)

دامنه اعتراضات مردمی در کشورهای عربی دامن کشور یمن را نیز فرا گرفته است. در سال ۲۰۱۱ ،اعتراضات مردم یمن بی وقفه ادامه دارد. رئیس جمهور یمن، علی عبدالله صالح، در برابر این اعتراضات، برخی اصلاحات را خواستار شد و برای واگذاری قدرت مقابله می‌کند. تشدید اعتراضات موجب گردید تا عبد ربه منصور هادی، رئیس جمهور یمن از سمت خود استعفا کرده، و ابتدا به عدن و از آنجا به عمان و سپس به عربستان رفت. با استعفای رئیس جمهور یمن حوثی‌ها در یمن قدرت گرفته اند. سابقه ظهور حوثی‌ها به سال ۱۹۹۱ باز می‌گردد؛ در سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰، حوثی‌ها شش مرتبه با دولت یمن و حتی عربستان سعودی وارد جنگ شدند؛ اما به رغم همه این درگیری‌ها در نهایت توانستند نفوذ خود را به خارج از مقر اولیه این گروه در شمال یمن، گسترش دهند. شرایط به‌طور عمده در سال ۲۰۱۱ و در زمان تظاهرات گسترده و ناآرامی‌های سیاسی در یمن در پی بهار عربی در کشورهای همسایه و فلج شدن دولت وقت در صنعا، تغییر کرد و حوثی ها بدون هیچ مشکلی قدرت را از نیروهای ارتش گرفتند. از سوی دیگر، افزایش قدرت حوثی‌ها در یمن به افزایش نگرانی گروه‌های مخالف و رقیب منجر و سبب شد این گروه‌ها برای مقابله با حوثی‌ها برای ایجاد اتحادهای مخاطره آمیز برای امنیت کشور (برای نمونه اتحاد با القاعده در شبه جزیره عربی)، تلاش کنند. (بارفی، ۱۳۹۳ :۳).

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

سعودی‌ها که هرگز شیعیان را در همسایگی خود نمی توانند تحمل کنند، و از هیچ اقدامی علیه آنها دریغ نکردند. آنها علاوه بر حمایت از قبایل سلفی همواره در امور داخلی یمن دخالت کردند. (توسکی، ۱۳۹۳ :۱۹).در ۲۵ مارس ۲۰۱۵ ائتلافی از برخی کشورهای عرب منطقه به رهبری عربستان سعودی حملات هوایی خود را با «توفان قاطعیت = عملیهٔ عاصفهٔ الحزم» علیه یمن آغاز کردند. در این عملیات‌ها زیرساخت‌ها از بین رفته، کارخانه‌ها منهدم شده و قوانین جنگ نقض شده و شمار کشته شدگان به بیش از ۵۰۰۰ هزار نفر رسید. (فضایلی، ۱۳۹۵ :۷۰–۴۱).آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان و بسیاری از کشورهای دیگر غربی از تلاش‌های نیروهای ائتلاف حمایت کرده و به فروش سلاح های خود به نیروهای تحت رهبری عربستان و ارائه کمک‌های فنی و ارسال مستشاران نظامی ادامه می‌دهند. بحران فوق علاوه بر جنبه‌های مختلف نظیر مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین الملل، چالش‌های دولت ملت سازی در یمن، نقض حقوق بشر و اصل حق تعیین سرنوشت ملت‌ها توسط عربستان سعودی در یمن و... از دیدگاه اعمال مسئولیت حمایت نیز واجد اهمیت و قابل بررسی است. زیرا در بحران یمن انتظار می‌رفت سازمان های بین المللی به لحاظ نظری با استانداردهای بین المللی، پیش بروند، رویه یکسانی را نسبت به تمام کشورها در پیش گیرند و طبق اساسنامه و مقررات جامعه بین المللی دست به اقدامات عادلانه‌تری بزنند. اگرچه این شکل از مدیریت بحران‌ها و عدم پیگیری و عدم رعایت حقوق بین المللی توسط سازمان‌های بین المللی مخصوصاً شورای امنیت، بارها مورد اعتراض کشورهای عضو قرار گرفته است که اصلاح ساختار شورای امنیت را امری ضروری ساخته است. عدم پیگیری، اقدام به صورت گزینشی و داشتن معیارهای دوگانه از مسایلی است که اعتراضاتی را به دنبال داشته است.

پیشگیری در مورد یمن

در اغلب فجایع انسانی که در طول قرون مختلف به وقوع پیوسته است، «نشانه‌هایی از پیش هشدار دهنده[1]» وجود داشته که امکان پیش بینی وقوع نسل‌کشی، جنایات جنگی، جنایت علیه بشریت و پاک‌سازی قومی را ممکن ساخته بوده‌است. فجایعی که در طی دو جنگ جهانی به وقوع پیوستند و حوادثی مانند آنچه که در کوزوو، روآندا، یوگسلاوی سابق، ساحل عاج، سودان،

1. Early Warning Signs

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

سومالی و بسیاری از نقاط دیگر، جهان نظاره‌گر آنها بود، همه مواردی هستند که پیش از ثبت در حافظه تاریخ، امکان پیش بینی و پیشگیری از وقوعشان وجود داشت، اما در هیچ کدام از این موارد اقدام به موقع و مقتضی صورت نگرفت و این در حالی است که اقدامات پیشگیرانه، چه از لحاظ مالی و چه از لحاظ جانی، بسیار کم هزینه تر و نتیجه بخش‌تر هستند. گزارش «کمیسیون بین المللی مداخله و حاکمیت دولت‌ها» برای تحقق یک، پیشگیری مؤثر، دستیابی به سه شرط را ضروری می‌داند: اول، قبل از هر چیز باید از شکنندگی اوضاع و خطرات همراه با آن آگاهی وجود داشته باشد که اصطلاحاً به آن «اعلام خطر[1]» گفته می‌شود. دوم، باید درک صحیحی از خط مشی اقداماتی که قادر به تغییر اوضاع هستند وجود داشته باشد، که کمیسیون نام آن را «جعبه ابزار پیشگیرانه[2]» می‌گذارد. نهایتاً، همانند همیشه باید خواست و اراده به کارگیری این اقدامات وجود داشته باشد، که از این موضوع با عنوان «اراده سیاسی[3]» یاد می‌شود.

بر پایه مسئوولیت حمایت، حکومت مرکزی مسئوولیت پیشگیری از نقض حقوق بشر را بر عهده دارد. در این راستا با آغاز بیداری عربی و شعله ور شدن آتش تحولات در یمن، شورای همکاری خلیج فارس با مدیریت و هدایت عربستان، پیشنهادی تحت عنوان «طرح خلیجی» ارائه داد. در این معنا، شیوه کنش شورای همکاری در قبال تحولات خاورمیانه از موضع انفعالی اولیه به موضع کنش فعالانه تغییر یافت. به همین دلیل، دو هفته پس از ورود نیروهای عربستان و امارات به بحرین، شورای همکاری ابتکار خود را برای بحران یمن مطرح ساخت. اهمیت این طرح بدان علت بود که برای اولین بار کشورهای همسایه ی یمن رسماً خواستار کناره گیری صالح شدند و ایالت متحده نیز در این مسأله با شورای همکاری هم داستان شد. ابتکار شورای همکاری از پنج بند به عنوان اصول اساسی و ۱۰ بند به عنوان اصول اجرایی تشکیل می‌شد. گذشته از اصول اساسی که بر حفظ وحدت یمن، رفع نمودهای ناامنی و بی‌ثباتی، گذشت و عدم انتقام جویی از سوی تمام طرف‌های درگیر در بحران یمن تأکید می‌کند، جزئیات این ابتکار در ۱۰ بند اجرایی آمده است. در بند نخست این توافق، به تشکیل دولت وحدت ملی با مشارکت حزب حاکم و احزاب مخالف (ائتلاف دیدار مشترک)، هر یک با نسبت ۵۰ درصد اشاره شده است. روشن است این بند، بحران یمن را در چارچوبی

1. Early Warning
2. Preventive Toolbox
3. Political Will

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

رسمی محصور می‌سازد؛ به عبارتی، ائتلاف دیدار مشترک اعتراضات را به راه انداختند و اکنون سهم خود را از قدرت دریافت می‌کنند، در حالی که معترضان یمنی بارها بر فاصله خود از این احزاب، که در نظام حامی پرور و پدرسالار صالح شریک اند، تأکید کرده اند. در واقع، برخی این بند را به دور زدن اراده معترضان یمنی از طریق تقسیم قدرت با احزاب مخالف تعبیر کرده اند. این احزاب با نظام مشکلی اساسی ندارند و از زمانی که به اعتراضات پیوستند صرفاً بر رفتن صالح و نه تغییر نظام تأکید کرده اند. بر اساس ابتکار شورا، در بیست و نهمین روز امضای توافق، پارلمان یمن، از جمله اپوزیسیون قوانینی را تصویب می‌کنند که به رئیس جمهور و کسانی که با وی کار کرده اند، مصونیت می‌دهد. یک روز پس از آن علی صالح استعفای خود را تقدیم پارلمان می‌کند. این امر به دلیل اعتراضات مردمیِ گسترده ای که در پی داشت با اندک تعدیل هایی به تصویب پارلمان رسید. بر اساس طرح تعدیل شده، صالح از مصونیت کامل برخوردار شد، اما مصونیت کسانی که با وی کار کردند محدود به مأموریت‌های سیاسی رسمیِ آنها می شود و سایر موارد را شامل نمی‌شود. پس از استعفای رئیس جمهور، معاون وی، رئیس جمهور نیابتی خواهد بود که بر اساس قانون موجود، پس از دو ماه دعوت به انتخابات می‌کند. رئیس جمهور منتخب کمیته‌ای برای اشراف بر تدوین قانون اساسی جدید تشکیل می‌دهد و قانون پس از تدوین به همه‌پرسی گذاشته می شود. چنانچه قانون اساسی به تأیید ملت برسد، انتخابات پارلمانی جدید بر اساس آن زمان بندی خواهد شد و پس از انتخابات پارلمانی، رئیس جمهور از حزب پیروز در انتخابات خواستار تشکیل دولت می شود. در بند دهم این ابتکار به نظارت کشورهای شورای همکاری، ایالت متحده و نیز اتحاده اروپا بر اجرای این ابتکار اشاره شده است. بر اساس این توافق، صالح استعفا کرد، و عبدربه منصور هادی، معاون وی، رئیس جمهور موقت یمن شد. (احمدیان ۱۳۹۰ :۱۰۱-۱۲۰).بر پایه طرح خلیجی، علی عبدالله صالح، رئیس جمهور اسبق یمن از قدرت کناره‌گیری کرده و عبد ربه منصورهادی معاون علی عبدالله صالح، به سمت ریاست جمهوری گمارده شد. (همان: ۱۰۱ -۱۲۰). شورای همکاری خلیج فارس قصد داشت با ارائه این طرح، نظم دچار اغتشاش و دگرگونی شده یمن را مدیریت کرده و آن را به نظم مطلوبِ پیشین که تأمین کننده منافع آل سعود بود، بازگرداند. بر اساس طرح خلیجی که در سال ۲۰۱۲ اجرایی شد، عبد ربه منصور هادی دو سال مهلت یافت تا در دوره انتقالی به

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

مطالبات انقلابیون پاسخ داده و به آنها جامه عمل بپوشاند. ازجمله این مطالبات، تدوین قانون اساسی، ایجاد مکانیسم هایی برای برگزاری انتخابات آزاد، مبارزه با القاعده، سامان بخشیدن به وضعیت جنوب و مبارزه با فساد بود که در چارچوب قطعنامه ۲۲۵۱ شورای امنیت و ذیل فصل هفتم تصویب شده و لزوم عملیاتی شدن آن جنبه حقوقی به خود گرفت. اما عبدربه منصور هادی در متحقق ساختن قطعنامه ۲۲۵۱ شکست خورد[1].

مسئوولیت واکنش در مورد یمن

پس از آنکه کلیه اقدامات پیشگیرانه، با ناکامی مواجه شدند، اجرای مسئوولیت پیشگیری از سوی جامعه بین المللی جای خود را به مسئوولیت واکنش می‌دهد. مسئوولیت واکنش، خود در دو مرحله و در دو سری اقدامات اجرایی متفاوت جهت کنترل و توقف نقض شدید و گسترده حقوق بشر صورت می‌گیرد. در وهله اول، اجرای مسئوولیت واکنش، اقداماتی باید انجام شود که فاقد وصف نظامی هستند؛ لذا پیش از بکارگیری هرگونه گزینه نظامی، می‌بایست سیر اقدامات اقتصادی، سیاسی و امنیتی، حقوقی و حتی اجتماعی و فرهنگی انجام شوند. سپس درصورت شکست اقدامات کمتر قهری و در مواردی که اثبات شود اقدامات پیشگیرانه و واکنشی غیرنظامی برای حل موضوع کفایت نمی‌کند. اجرای مسئولیت حمایت از سوی جامعه بین المللی در موارد استثنایی، معطوف به استفاده از نیروی نظامی خواهد شد. رکن مسئول برای مدیریت و تصمیم‌گیری در مرحله واکنش و صدور مجوز برای اعمال مسئوولیت واکنش نظامی شورای امنیت ملل متحد است. نهادی که حاصل ساختار قدرت جهانی در سال ۱۹۴۵ است (گلشن پژوه، ۱۳۸۸:۱۳۶) و مسئوولیت حفظ و امنیت بین المللی را بر عهده دارد.(آقایی، ۱۳۸۶: ۵۸). یک ارگان اجرایی کوچک با عملکرد مداوم، که به هنگام تهدید علیه صلح و امنیت بین المللی اقدام به اتخاذ تصمیمات سریع ومؤثر نموده و مکانیزم اجبارکننده پیش بینی شده در فصل هفتم منشور را به‌کار می–اندازد. (باوت، ۱۳۷۲ :۵۱؛ نیاکی، ۱۳۵۴ :۲۱۵) اما قطعنامه‌های شورای امنیت در مورد یمن بسیار ظالمانه است،

1. UN Security Council, Security Council resolution 2251 (2015) [on extension of the mandate of the UN Interim Security
Force for Abyei (UNISFA) until 15 May 2016], 15 December 2015, S/RES/2251 (2015), available at:
http://www.refworld.org/docid/56ec04a04.html [accessed 6 November 2017]

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

زیرا قربانی را مجازات و جنایتکار را رها کرده است. این شورا با حمایت از مداخله و تجاوزات نظامی عربستان در یمن همچنین از عبدربه منصور هادی و مشروعیت وی حمایت کرده و واکنش مناسبی اتخاذ نکرده است. در کل رکن مسئول اجرای مسئولیت واکنش برای حل بحران یمن عبارتند از:

– قطعنامه ۲۰۵۱ اولین قطعنامه‌ای است که بعد از برکناری علی عبدالله صالح صادرشده و راه حل و نقشه راه خروج از بحران را مشخص می‌سازد. این قطعنامه در تاریخ ۱۲ ژوئن ۲۰۱۲ و با اتفاق آراء اعضای دائم و غیردائم شورای امنیت تصویب شد. خروج کاملِ علی عبدالله صالح از صحنه سیاسی یمن و لزوم پیاده سازی طرح شورای همکاری خلیج فارس، دلیل صدور این قطعنامه بود. شورای امنیت سعی داشت با این قطعنامه برای طرح شورای همکاری خلیج فارس وجاهت و پشتوانه حقوقی و سیاسی مهیا کند. قطعنامه مذکور از یک مقدمه و ۱۹ بند تشکیل شده که در هیچ یک از بندهای ۱۹گانه، نام و نشانی از انصارالله به میان نیامد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین مفاد قطعنامه مردود دانستن استفاده از خشونت برای دستیابی به اهداف سیاسی، اجرای فاز دوم دوره گذار، توقف اقدامات تضعیف کننده دولت، نگرانی از حملات و حمایت‌های گسترده مالی و نظامی از القاعده و لزوم توقف این حمایت‌ها و.... هستند. (S/RES/ 2051(2012)).

– شورای امنیت سازمان ملل در ۲۱ اکتبر سال ۲۰۱۱ طی قطعنامه شماره ۲۰۱۴ در جلسه ۶۶۳۴ درباره یمن تصویب کرد که شامل ۱۳ بند بود که به‌طور خلاصه شورای امنیت سازمان ملل به اتفاق آرا قطعنامه محکوم کردن خشونت‌ها و موارد نقض حقوق بشر در یمن را صادر کرد. اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد با تصویب قطعنامه‌ای از دولت یمن و مخالفان آن خواستند که هر چه زودتر به درگیری‌ها در این کشور پایان دهند. همچنین از دو طرف درگیر خواسته شده که با فراهم کردن مصونیت قضایی برای علی عبدالله صالح، رئیس جمهوری یمن، زمینه را برای کناره‌گیری وی از قدرت آماده کنند. در این قطعنامه همچنین استفاده از خشونت علیه مخالفان دولت و سرکوب معترضان یمنی به شدت محکوم شده است. (S/RES/2014 (2011)).

– قطعنامه ۲۱۴۰(۲۰۱۴) را می‌توان تداوم تکمیل فرایند گذار و مرحله انتقالی دانست. این موضوع از مفاد و روح حاکم بر قطعنامه، قابل استنباط و استخراج است. قطعنامه مذکور

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

ضمن یادآوری راه کارهای مشخص شده در طرح شورای همکاری خلیج فارس و تأکید بر قطعنامه‌های پیشین، ۳۴ نکته و بند را در برمی‌گیرد که مهم‌ترین آنها تجلیل از شورای همکاری خلیج فارس برای طراحی دوره گذار و کمک به پیاده سازی آن، استقبال از نتایج جامع کنفرانس گفتگوی ملی، امضاشده توسط تمامی احزاب و جریان ها که خود نشان از تعهد به دموکراسی است و تأکید بر اجرایی کردن آن، قدردانی و تجلیل از عبد ربه منصور هادی و ابراز نگرانی از گسترش خشونت ها، استقبال از پیشرفت‌های حاصل شده و تداوم نقشه راه از طریق تهیه پیش نویس قانون اساسی، تدوین و تصویب قوانین انتخاباتی جدید، برگزاری رفراندوم در مورد پیش نویس قانون اساسی، اصلاح ساختار دولت برای انتقال از سیستم دولتی یک‌پارچه و مرکز محور به دولتی فدرال، تشکیل «کمیته تحریم» از نمایندگان ۱۵ عضو شورای امنیت برای تحریم مالی و نظامی شخصیت‌های وابسته به علی عبدالله صالح و رهبران برجسته انصارالله را شامل می‌شود. (S/RES/2140 (2014).

– قطعنامه ۲۲۰۱ که در تاریخ ۱۵ فوریه ۲۰۱۵ مورد تصویب قرار گرفت که بر مفاد اصلی زیر قوام یافته است:

تأکید بر اهمیت قطعنامه ها و طرح های پیشنهاد شده برای پایان دادن به بحران یمن، خروج سریع و بدون قید و شرط انصارالله از شهرها، محکوم کردن انصارالله به دلیل انحلال مجلس و نهادهای دولتی، ابراز تأسف و محکوم کردن انصارالله به واسطه دست یازیدن به اقدامات یک‌جانبه و ایجاد مانع در مسیر انتقال سیاسی و تضعیف وضعیت امنیتی کشور، تشکر و حمایت از شورای همکاری خلیج فارس، تأکید بر عدم دخالت خارجی برای دامن‌زدن به جنگ و بی ثباتی(S/RES/2201 (2015).

– قطعنامه ۲۲۰۴ شورای امنیت که در تاریخ ۲۴ فوریه ۲۰۱۵ تصویب شد، فعالیت کمیته تحریم مندرج در قطعنامه ۲۱۴۰ را یک سال دیگر تمدید کرد. قطعنامه یاد شده همراه با این موضوع، مسائل دیگری را نیز مدنظر قرارداد که نگرانی از افزایش خشونت، نگرانی از سوءاستفاده از سلاح و دامن زدن به بی ثباتی و... از جمله این مسائل هستند. (S/RES/2204(2015).

– شورای امنیت قطعنامه ۲۲۱۶(۲۰۱۵) را که از طرف اعضای شورای همکاری خلیج فارس مطرح شده بود، تحت بند هفتم سازمان ملل با ۱۴ رای مثبت و رای ممتنع روسیه به تصویب رساند. همان‌طور که انتظار می‌رفت این قطعنامه بدون اشاره به تجاوز آشکار

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

سعودی‌ها در خاک یمن، خواستار توقف حملات و خلع سلاح نیروهای حوثی شد که در معرض این حملات قرار دارند. در واقع قطعنامه یاد شده به جای جلوگیری از ادامه جنگ، به متجاوزان مشروعیت داد. بر اساس قطعنامه فوق ممنوعیت صادرات سلاح، توقیف پول و دارائی‌ها و ممنوعیت سفر برای عبدالملک حوثی رهبر حوثی ها و احمد فرمانده سابق نیروی گارد ریاست جمهوری و پسر علی عبدالله صالح رئیس جمهور سابق یمن پیش بینی شده است. در این قطعنامه از طرف‌های نزاع خواسته شده است که شهروندان غیرنظامی را مورد حمایت قرار دهند. همچنین در این قطعنامه آمده است: از همه طرف‌های یمنی بویژه حوثی‌ها می‌خواهیم به‌طور کامل قطعنامه ۲۲۰۱(۲۰۱۵)را اجرا کرده و از اقدامات یکجانبه بیشتر که می تواند دوره گذار سیاسی در یمن را تضعیف کند، بپرهیزند. همچنین از حوثی‌ها خواسته شده فوراً و بدون قید و شرط: الف) استفاده از زور را متوف کنند. ب) نیروهای خود را از مناطق تحت تسلط از جمله صنعا پایتخت یمن بیرون ببرند. پ) تسلیحات به دست آمده از نهادها و سازمان‌های نظامی و امنیتی شامل سیستم های موشکی را کنار گذاشته و رها کنند. ت) به اقداماتی که منحصراً در اختیار دولت مشروع یمن است، پایان دهند. ج)از هرگونه اقدامات تحریک آمیز اجتناب کنند. چ)محمود الصبیحی وزیر دفاع یمن و همه زندانیان سیاسی را آزاد کنند ح)به جذب نیرو و استفاده از کودکان پایان دهند (S/RES/2216(2015). شورای امنیت با تصویب این قطعنامه اثبات کرد که از عدالت و اخلاق برای تصمیم‌گیری در مسائل مختلف جهان به دور است، شورای امنیت با تصویب این قطعنامه ضمن نادیده گرفتن واقعیت‌های میدانی در واقع به مشروعیت حمله عربستان به یمن صحه گذاشت. (احرامی،۱۳۹۷:۱۳).

– قطعنامه ۲۲۶۶ در ۲۴ فوریه ۲۰۱۶ مورد تصویب شورای امنیت سازمان ملل قرار گرفت. در این قطعنامه ضمن تکرار موارد سایر قطعنامه‌ها، سازمان ملل مسدود شدن اموال و ممنوعیت سفر افرادی که ثبات در یمن را تهدید می‌کنند و در قطعنامه ۲۱۴۰ سال ۲۰۱۵ میلادی تصویب شده بود را تا ۲۶ فوریه سال ۲۰۱۷ میلادی تمدید کرد که رهبران حوثی ها از جمله این افراد بودند. شورای امنیت همچنین حکم هیات کارشناسان سازمان ملل را تا ۲۷ مارس سال ۲۰۱۷ میلادی تمدید کرد و از همه خواست که برای یافتن راه‌حلی سیاسی با آن‌ها همکاری کنند. (S/ Res/ 2266(2016).

– قطعنامه ۲۴۵۱، ۲۱ دسامبر ۲۰۱۸این قطعنامه در واقع موافقتنامه استکهلم را تصویب

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

کرد، که از همه طرف‌ها می‌خواست تا به طور کامل به آتش بس در حدیده احترام بگذارند. (S/ Res/ 2451(2018).

– شورای امنیت تصمیم گرفت که ماموریت ویژه‌ای را برای حمایت از اجرای توافقنامه آتش بس بین دولت یمن و شبه نظامیان حوثی که در ۱۳ دسامبر ۲۰۱۸ در شهر استکهلم به توافق رسیده بود، برای شهر و بندر حدیده و همچنین بندرهای صلیف و رضا عیسی مقرر دارد. شورای امنیت به اتفاق آراء قطعنامه ۲۴۵۲ (۲۰۱۹) را که ماموریت سازمان ملل متحد برای حمایت از «موافقتنامه حدیده» با یک شرط اولیه شش ماهه برای هدایت و حمایت از کمیسیون هماهنگی بازسازی که وظیفه نظارت بر آتش بس، تخصیص نیروها و نقل و انتقال مین‌ها می‌شد را به تصویب رساند. این قطعنامه حمایت بین المللی از استقلال، تمامیت ارضی و حاکمیت یمن را تأیید کرده است. .(S/Res/2452(2019)

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال نهم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۸

مسئوولیت بازسازی در مورد یمن

پس از مسئوولیت واکنشی، مسئوولیت بازسازی ضرورت پیدا می‌کند تا کشورهای مداخله گر و جامعه بین الملل بتوانند،کشور مورد نظر را به حالت ثبات برسانند. در این راستا کشور یمن نیز تاکنون به اشکال زیر مورد حمایت مسئوولیت بازسازی قرار گرفته‌است:

– در ۲۳ می ۲۰۱۲ کمک ۶/۴ میلیارد دلاری کشورهای دوست یمن برای کمک به این کشور جهت مقابله با تروریسم.

– کمک ۳/۲۵ میلیارد دلاری عربستان سعودی جهت تحقق طرح شورای همکاری در یمن.

– تجدید نظرکردن رئیس جمهوری یمن در ساختار ارتش این کشور در ۲۰ دسامبر ۲۰۱۲ و منحل کردن گارد ریاست جمهوری به فرماندهی احمد پسرعبدالله صالح .

– اعلام اتحادیه اروپا مبنی بر پرداخت مبلغ ۹/۲ میلیون دلار برای حمایت از انتخابات یمن و همچنین وزرای امور خارجه اتحادیه اروپا خواهان ارسال هر چه زودتر کمک های مادی به یمن و بازسازی آن شدند.

بررسی حمله ائتلاف منطقه‌ای به یمن از نظر قانونی

سوالی که پیش می آید این است که آیا حمله ائتلاف به رهبری عربستان از منظر حقوق

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

بین‌الملل قانونی است یا خیر؟

متجاوزین و قطعنامه ۲۲۱۶ شورای امنیت به نامه درخواست کمک عبدربه منصور استناد می‌کنند اما باید توجه کرد که با عنایت به استعفای رئیس جمهوری یمن در ۲۲ ژانویه ۲۰۱۵ که با استناد به ماده ۱۱۴ قانون اساسی یمن انجام گرفته بود[1]، و همچنین با عنایت به اصل حق تعیین سرنوشت، نمی‌توان با توسل به زور، ملتی را از این حق بازداشت.از منظر حقوقی، مقام دعوت کننده جهت مداخله باید دارای مشروعیت و صلاحیت قانونی باشد، اما طبق قانون اساسی یمن، عبد ربه منصور از مقام خود استعفا داده بودند و در نتیجه واجد صلاحیت جهت چنین درخواستی نیستند. (فضائلی،۱۳۹۵ :۶۴). افزون بر آن، طبق اصل ۱۰۸ قانون اساسی یمن، تعداد کاندیداهای ریاست جمهوری در انتخابات یمن، نباید کمتر از دو نفر باشد، در حالی که عبد ربه منصور به عنوان تنها کاندیدای انتخابات، حضور داشت. (همان: ۶۵).از طرف دیگر، شورای امنیت صلاحیت تعیین رئیس جمهور برای کشوری مستقل که دارای ملتی زنده است را ندارد و در شرایطی که دولت مرکزی به سبب انقلابات مردمی برکنار شده است و یا طبق قانون اساسی آن کشور استعفا داده است، حق درخواست مداخله نظامی ندارد. (همان: ۶۱).

همچنین باید اضافه کرد که تجاوز ائتلاف به رهبری عربستان سعودی، در مقام دفاع مشروع نیز نیست، زیرا گروهی یمنی یا کشور یمن به سرزمین آنها تجاوزی انجام نداد. طبق دکترین دفاع مشروع پیش‌دستانه پاسخ مسلحانه به حملات قریب الوقوع یا آنجا که حمله‌ای وقوع یافته و دولت قربانی دریافته است که حملات بیشتری در حال طراحی است، مجاز است. (موسوی و حاتمی، ۱۳۸۵: ۳۰۴)؛ حال اینکه در قضیه یمن، چنین استنادی نیز قابل پذیرش نیست. دیوان نیز وجود حمله نظامی را به عنوان شرط اعمال حق دفاع مشروع فردی یا گروهی قلمداد می‌کند. (Nicaragua case, 1986: 19).

باید اضافه نمود که این حمله ائتلاف، با اصل منع توسل به زور همخوانی ندارد و در واقع این تجاوز خود تهدیدی علیه صلح و امنیت منطقه ای و بین المللی است. بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد و اعلامیه ۱۹۷۰ ملل متحد درباره اصول حقوق بین الملل راجع به روابط دوستانه، بر ممنوعیت تهدید یا استفاده از زور تأکید می‌نمایند. این اصل در زمره

1. http://www.aproarab.org/modules.php?name=Qanoon&get=Yemen

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

قواعد آمره بین المللی شمرده می‌شود و عمل خلاف آن به هیچ عنوان قابل قبول نخواهد بود.

همچنین باید به اصل ابزارهای متناسب که توسط کمیسیون در بنـدهای ۴-۱۹ و ۴-۲۰ در جلـد اول معیارهای مداخله نظامی برشمرده شده است، توجه کرد[1]. کمیسـیون مـذکور در ایـن دو بنـد بیان می‌دارد که مداخله نظامی باید برای دفاع و حفاظـت از انسـان هـا باشـد کـه در آن مقیـاس وسیعی از زندگی مردم غیرنظامی در معرض نسل کشی یا پاکسـازی قـومی قـرار داشـته باشـد. حال آنکه تجاوز ائتلاف با این معیارها همخوانی ندارد و نمی‌توان در قالب مسئولیت حمایت، این حملات را توجیه کرد. ضرورت و تناسب که از اصول کلی حقوق بین الملل است، در مقام دفاع از خود نیز باید اجرا گردد که دیوان بین المللی دادگستری نیز بر آن تأکید کرده است. (ضیائی بیگدلی،۱۳۹۲: ۴۹۶) که در قضـیه یمن، این قضیه از سوی متجاوزین، مورد خدشه شدید قرارگرفته است.

طبق گزارش عفو بین الملل مناطق غیرنظامی همچون بیمارسـتان‌هـا و مراکـز درمـانی مورد حملـه ائتلاف قرارگرفته‌است[2] که این اقدام در ذیل جنایات جنگی قرار می‌گیرد و معاهـده چهـارم ژنـو در مورد حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ، در ماده ۱۸ از ممنوعیت حمله به مراکز درمانی سخن می‌گوید و بر لزوم حمایت از آن تأکید می‌کند. (اسماعیل نسب، ۱۳۹۳: ۳۲۰). حمله به غیرنظامیان و منـاطق غیرنظـامی در رویـه دولت‌ها نیز محکوم شده است و باید اصل تمایز بین نظامیان و غیرنظامیان مدنظر قرار گیرد.در انجام حملات نظامی باید تدابیر احتیاطی اتخاذ گردد، به ونه ای که حتـی بایـد حملـه لغـو یـا تعلیق گردد اگر معلوم شود که هدف نظامی نیست و به هیچ عنوان نمی‌توان حمله ای علیه جمعیت یا اموال غیرنظامی انجام داد. (ضیائی بیگدلی، ۱۳۸۶: ۸۱).

لذا با عنایت به مطالب ذکر شده، به نظر نمی‌رسد که بتوان تجاوز ائـتلاف بـه رهبـری عربسـتان سعودی را از منظرحقوق بین الملل توجیه کرد و از سوی دیگر کیفیـت ایـن تجـاوز کـه موجـب کشته شدن غیرنظامیان و تخریب زیرساخت‌ها و مراکز درمانی گردید، قابـل پـذیرش دانسـت، به‌خصوص که در این حملات از سلاح های ممنوعه نیز استفاده شد.

1. http://responsibilitytoprotect.org/ICISS%20Report.pdf.

2. https://www.amnesty.org/en/latest/news/2016/09/yemen-evidence-indicates-us-madebomb-was-used-in-attack-on-msf-hospital/

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

نتیجه‌گیری

این واقعیت انکارناپذیر است که بافت و ساختار شورای امنیت سازمان ملل سیاسی و مبتنی بر منافع دولت‌های عضو آن است. واقعیتی که نقدهای پردامنه و پرشماری را متوجه ساختار سازمان ملل نموده و اندیشه‌های فراوانی را در باب اصلاح آن مطرح کرده است. از این رو این امر محتمل است که مناط شدن نظر شورای امنیت آسیب رسان شده و مانع از تحقق اهداف متشکله اصل مسئولیت حمایت کردن شود. این آفت البته دوسویه است؛ از یکسو ممکن است، مداخله نظامی در یک کشور تنها به بهانه مسئولیت حمایت کردن صورت پذیرد و آموزه‌های این اصل مورد سوءاستفاده واقع شود و از سوی دیگر ممکن است، حق و جان قربانیان جرایم بین المللی در پیچ و خم تصمیمات سیاسی نهاد شورای امنیت تضییع و تضییق شود. لیکن راه حل این گره و گشایش این تنگنا خروج از مدار نظم بین المللی و اقدام یک جانبه نیست، بلکه می‌توان از دیگر ساختارها و فرصت‌های موجود در حقوق بین الملل نظیر دیوان کیفری بین المللی استفاده کرد. تصویب دکترین »مسئولیت حمایت« در اجلاس سران سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۵ و تبدیل آن به هنجار پذیرفته شده بین المللی، حکایت از گام مهم جامعه جهانی برای اتخاذ رویکردی واحد در قبال بحران‌های بشری بین المللی دارد. مسئوولیت به حمایت مستلزم مسئوولیت به پیشگیری، واکنش و بازسازی است. مسئوولیت پیشگیری در وهله اول متوجه حاکمیت و نهادهای ملی است، در صورتی که حاکمیت در این امر ناتوان یا بی میل باشد جامعه جهانی و در راس آن شورای امنیت مسئولیت اولیه برای عمل را داراست و می‌بایست از نقض حقوق بشر جلوگیری کند. اما آزمون عملی این دکترین در بحران لیبی نشان داد که گزینه مداخله نظامی بیشتر از سایر گزینه ها(گزینه های غیرنظامی) مورد توجه شورای امنیت قرار دارد. این در حالی است که اقدامات نظامی می‌بایست به عنوان آخرین حربه و به صورت استثنایی و هنگامی که بیم آن رود که نظم و صلح جهانی در معرض خطر قرار گرفته به کار گرفته شوند. بی‌توجهی شورای امنیت به راهکارهای پیشگیرانه بار دیگر انتقاداتی را متوجه قدرت های بزرگ، به ویژه اعضای دائم شورای امنیت به عنوان مرجع صلاحیتدار صدور مجوز برای اقدام در قالب دکترین «مسئولیت حمایت»کرده است. از سوی دیگر بحران یمن نیز نشان داد که «جعبه ابزار پیشگیرانه» شورای امنیت خیلی ناتوان‌تر از آنست که بتواند پاسخگوی بحران‌های عصر حاضر باشد. تأیید و تکمیل طرح خلیجی شورای

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

همکاری خلیج فارس توسط شورای امنیت نشان داد که راهکارهای پیشگیرانه شورای امنیت نیز خالی از انتقاد نیست. و در نهایت با مداقه در سیر قطعنامه‌هایی که در ارتباط با کشور یمن صادر شده می‌توان به این نتیجه رسید که برخلاف وضعیت کشورهای سوریه و لیبی شورای امنیت از لحن ملایم‌تری سود جسته و ابتدائاً با تکیه بر راهکارهای سیاسی سعی در حل این بحران داشته‌است.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

منابع

۱- فارسی

ابوالحسن شیرازی، حبیب اله(۱۳۹۴). « رویکرد شورای امنیت در مواجهه با بحران کشور اسلامی سوریه ۲۰۱۱-۲۰۱۶» *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، سال پنجم، شماره ۴. صص ۵۱-۸۶.

احرامی، سجاد، توکلی طبسی، علی، جلالیان، عسگر(۱۳۹۷). «جایگاه میانجی گری مبتنی بر اخلاق سازمان ملل متحد در بحران‌های سوریه و یمن». *پژوهش‌های اخلاقی*، سال هشتم، شماره ۴. صص ۵-۱۶.

احمدیان، حسن. (۱۳۹۰). « طرح شورای همکاری خلیج فارس و آینده قیام مردم یمن»، *فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام*، شماره ۴۸. صص۱۰۱-۱۲۰.

اسماعیل نسب، حسین(۱۳۹۳).*مجموعه مهم‌ترین اسناد کاربردی حقوق بین الملل*، چاپ اول، تهران: جنگل.

آقایی، داود(۱۳۸۶) .*نقش و جایگاه شورای امنیت در نظم نوین جهانی*، تهران: سرای عدالت.

بارفی، باراک(۱۳۹۳).«نگرانی از قدرت گرفتن القاعده در شبه جزیره عرب»، *روزنامه افکار*، شماره ۱. ص۵.

باوت، دی. و (۱۳۷۲).*حقوق نهادهای بین المللی*، ترجمه هومن اعرابی ، تهران: انتشارات کیهان.

توسکی ف(۱۳۹۳).«یمن؛ مطامع بازیگران خارجی و چالش‌های داخلی»، *مجله بین الملل مهر*،سال چهارم، شماره ۲ .صص ۱۶-۱۷.

جباری، منصور،حاضر وظیفه قره باغ، جلیل(۱۳۹۰). «ارزیابی دکترین مسئولیت حمایت در بحران دارفور سودان».*فصلنامه راهبرد*، شماره ۵۸. صص ۲۱۷-۲۴۲.

حافظ نیا،محمدرضا(۱۳۹۸) . *مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*،چاپ بیست و پنجم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها.

حق سرشت، میثم(۱۳۹۵). «مداخله بشردوستانه در پرتو اصل مسئولیت حمایت با نگرش اجمالی بر موضوع سوریه». *نشریه کانون وکلای دادگستری آذربایجان شرقی*، شماره ۴۳، صص ۲۷-۵۰.

سادات میدانی، سید حسین(۱۳۸۹). «بررسی صلاحیت قانونگذاری شورای امنیت با تأکید بر تصمیمات شورا پس از جنگ سرد». *پایان نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*.

ساعد وکیل، امیر(۱۳۹۰). «وضعیت دارفور و غزه،میدان آزمون نظریه مسئولیت حمایت».*فصلنامه پژوهش حقوق*، شماره۳۲.

شریفی طراز کوهی، حسین(۱۳۸۶). *حقوق بشر*.تهران: انتشارات میزان.

صادقی، حسین و احمدیان، حسن(۱۳۸۹). «دگرگونی جایگاه منطقه‌ای یمن، امکانات و چالش‌ها».تهران:*فصلنامه راهبرد*، سال نوزدهم، شماره ۵۶. صص ۲۵۳-۲۸۰.

ضیائی بیگدلی، محمدرضا(۱۳۸۶).*حقوق بین الملل عمومی*، تهران: گنج دانش.

..... (۱۳۹۲).آرا و نظرات مشورتی دیوان بین المللی دادگستری، چاپ دوم، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

عباسی سرمدی، مهدی(۱۳۹۲). «دکترین مسئولیت حمایت از روند شکل گیری تا کاربرد ابزاری آن»،*فصلنامه سیاست جهانی*،شماره۳. صص ۱۵۷-۱۸۲.

فضائلی، مصطفی(۱۳۹۵). «مداخله نظامی در یمن از منظر حقوق بین الملل»، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، سال چهل و ششم،شماره ۱. صص ۴۱-۷۰.

قربان نیا، ناصر، قادری، سیدمحمدهادی(۱۳۹۲). «دکترین مسئولیت حمایت و تلاش برای مقابله با فجایع انسانی». *فصلنامه روابط خارجی*، شماره اول.صص ۱۹۹-۲۳۴.

گلشن پژوه ، محمودرضا(۱۳۸۸).*حقوق بشر در جهان معاصر*، تهران: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.

موسوی، سید فضل الله؛ حاتمی؛ مهدی(۱۳۸۵). «دفاع مشروع پیشدستانه در حقوق بین الملـل»، *مجلـه دانشـکده حقـوق و علـوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۷۲. صص ۳۰۳-۳۲۴.

نیاکی ،جعفر(۱۳۵۴) .*حقوق سازمان‌های بین المللی*، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه ملی ایران.

نیکنام ابرکوه، بهناز(۱۳۹۱). رجعت به تئوری های جنگ عادلانه با استفاده از دکترین مسئولیت حمایت برای توجیه مداخله گرایی قدرت‌های بزرگ. استاد راهنما:دکتر کابک خبیری. *پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرکز.*

۲-انگلیسی:

A)Articles

Boisson de Chazumes,Laurence et condoreilli.luigi(2006). “De la Responsabilitie” Revue Generale de droit international Public,No.1.pp.11-18.

Inbar, Efraim (2013).“The Arab Spring / Democracy and security”, Besa Studies in International Law , New York, p.2.

Middle East/North Africa Report,(2011),“Popular protest in North African and the Middle East (II): Yemen between reform and revolution”. International Crisis Group, No.102, Available at: http://www.crisisgroup.org (Accessed 23 February 2013(.

M. Malone, David (2004). The UN Security Council From the cold war to the 21st century , Lynne Rienner, Publisher, States United.

Tarnogroski Rafael(2012).”Libya and Syria: Responsibility to Protect at crossroad,PISM strategic file.No.,p:4.Accessed 2 Februry 2014, see at : http://www.Pism.pl/files/id-pilk=12260/pdf.

B)Documents

Security Council (2009), Resolution 1894, accessed 1 Dec, 2017, from: http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/1894.

Security Council (2006), Resolution 1674, accessed 1 Dec, 2017, from: http://www.un.org/

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/1674.

Security Council (2006), Resolution 1706, accessed 1 Dec, 2017, from: http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/1706

Security Council. (2006), Resolution 1738, accessed 1 Dec, 2017, from: http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/1738.

Security Council (2011), Resolution 2014, accessed 1 Dec, 2017, from: http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/2014.

Security Council (2012), Resolution 2051, accessed 1 Dec, 2017, from: http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/2051.

Security Council (2014), Resolution 2140, accessed 1 Dec, 2017, from: http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/2140

Security Council. (2015), Resolution 2201, accessed 1 Dec, 2017, from: http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/2201.

Security Council. (2015), Resolution 2204, accessed 1 Dec, 2017, from: http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/2204.

Security Council. (2015), Resolution 2216, accessed 1 Dec, 2017, from: http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/2216).

Security Council. (2016), Resolution 2266, accessed 1 Dec, 2017, from: http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/2266.

Security Council. (2017), Resolution 2342, accessed 1 Dec, 2017, from: http://www.un.org/en/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/2342.

Security Council (2019), Resolution 2452, accessed 1 Dec, 2017, from: http://www.un.org/ga/search/view_doc.asp?symbol=S/RES/2452.

CIJ,2004,59-65.

CIJ,1986,para151.

C)Websites

www.refworld.org/docid/56ec04a04.html [accessed 6 November 2017.

http://www.iciss.ca/report2-en.asp

http://www.aproarab.org/modules.php?name=Qanoon&get=Yemen

http://www.aproarab.org/modules.php?name=Qanoon&get=Yemen

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]

http://responsibilitytoprotect.org/ICISS%20Report.pdf

http://responsibilitytoprotect.org/ICISS%20Report.pdf

https://www.hrw.org/news/2016/05/06/yemen-saudis-using-us-cluster-munitions

https://www.amnesty.org/en/latest/news/2016/05/yemen-children-among-civilians-killedand-maimed-in-cluster-bomb-minefields/

https://www.washingtonpost.com/news/checkpoint/wp/2016/09/19/saudi-arabia-appears-tobe-using-u-s-supplied-white-phosphorus-in-its-war-in-yemen/?utm_term=.21978b2b8ac6

https://www.amnesty.org/en/latest/news/2016/09/yemen-evidence-indicates-us-madebomb-was-used-in-attack-on-msf-hospital./

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید: DOI:۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۹۰۴۰۲
علی نژاداصل، محمد؛ آرش پور، علیرضا؛ راعی دهقی، مسعود (۱۳۹۸)، «ارزیابی اجرای دکترین مسئوولیت حمایت در بحران یمن»، *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۹، ش۴، زمستان ۹۸، صص ۵۲-۲۷.

[Downloaded from priw.ir on 2026-11-09]